

فصل سوم: صفحه آرایی کتاب

هدف‌های رفتاری:

در پایان این فصل، از فراگیر انتظار می‌رود:

- ۱- در مورد تعیین حروف اطلاعات کلی را بداند.
- ۲- واحدهای چاپی را تعریف کند.
- ۳- پایه کار یا گرید را بشناسد و برای هر کتاب، پایه کار مناسب طراحی نماید.
- ۴- تناسب طلایی را درک کند و کاربرد آن را در صفحه‌آرایی کتاب توضیح دهد.
- ۵- در مورد سرفصل‌های کتاب، اطلاعات بصری لازم را داشته باشد و طرح سرفصل مناسب برای هر کتاب را ارائه دهد.
- ۶- کاربرد گرید را در موارد غیر از صفحه‌آرایی توضیح دهد.
- ۷- «کرنینگ» و «لدینگ» را توضیح دهد.
- ۸- با توجه به اصول کلی صفحه‌آرایی کتاب، کتاب‌های بدون تصویر یا مصور را صفحه‌آرایی کند.
- ۹- تصاویر را ویرایش نماید.
- ۱۰- «جهت عکس» یا «زاویه دید» را تعریف کند و هر عکس را در جای مناسب صفحه قرار دهد.
- ۱۱- مفهوم تعادل را در صفحه توضیح دهد و دو صفحه مجاور را متعادل طراحی کند.
- ۱۲- ویژگی‌های صفحه‌آرایی کتاب کودک را توضیح دهد.

تعیین حروف^۱

واحد اندازه گیری حروف چاپی «پونت» نام دارد که اندازه آن ۰/۳۷۶ میلی متر است. پونت را در انگلیسی و فرانسه به صورت Point و در آلمانی به صورت Punkt می نویسند و در فارسی آن را «پُن نْ تْ» تلفظ می کنند ولی به صورت های «پنط»، «پونط» و «پوینت» هم می نویسند.

اندازه حروف، بر حسب واحد پونت بیان می شود ولی برای تعیین ضخامت آن از واژه های «نازک» و «سیاه» استفاده می شود که در انگلیسی به ترتیب معادل آنها Light و Bold است. تفاوت حروف ۱۳ نازک، با حروف ۱۳ سیاه فقط در درشت تر بودن و تیره تر بودن ۱۳ سیاه است و گر نه ارتفاع هر دو قلم یکی است.

مطالعه آزاد

تعیین حروف مطالب باید با پرهیز از پراگویی و ارائه توضیحات طولانی و با استفاده از علایم اختصاری و حتی الامکان کاربرد قلم های رنگی انجام شود و دقت در این فرایند، سبب صرفه جویی در زمان و جلوگیری از دوباره کاری و اشتباهات مختلف می شود.

هر گاه دور کلمه ای خط کشیده شود، به معنای حذف آن است. کلماتی که زیر آنها خط کشیده می شود، یعنی با حروف سیاه چیده شوند.

کلماتی که زیر آنها خط موجی شکل (~~~~~) کشیده می شود به معنی آن است که مقداری شیب به صورت یکنواخت داشته باشد که به آن «ایتالیک» گویند و واژه «ایرانیك» هم معادل آن ابداع شده است.

اگر به این خط موجی، خط ممتدی اضافه شود، (~~~~~) به معنی سیاه و ایرانیك است.

در جدول ۱-۳ برخی از نشانه های مهم تعیین حروف که امروزه در ایران کاربرد دارد، معرفی شده است.

در متن کتاب برای پانویست ها، جدول ها، عناوین اصلی و فرعی، سرصفحه ها و... حروف متنوعی لازم است.

۱ - تعیین حروف را «مارک آپ» (Mark up) نیز می گویند که معادل انگلیسی آن است.

حروف متن کتاب‌های فارسی در نرم افزارهای حروف چینی فعلی ۱۲ تا ۱۴ پونت نازک انتخاب می‌شود که در مورد کتاب‌های ویژه نوجوانان یا کودکان می‌تواند متناسب با کتاب درسی فارسی آنها، بزرگ‌تر انتخاب شود.

حروف نقل قول‌ها گاهی کوچک‌تر از حروف متن انتخاب می‌شود و در هر حال، نقل قول‌ها یا با گیومه در اول و آخر آنها مشخص می‌شوند و یا با یک یا یک و نیم سانتی‌متر تورفتگی سطرهای نقل قول.

حروف پانوشته‌ها به طور واضح از حروف متن کوچک‌تر است و حدود ۷ تا ۹ نازک انتخاب می‌شود.

حروف لاتین در متن و نیز در پانوشته‌ها باید با حروف فارسی هماهنگی داشته باشد و نوعی خاکستری همگون و هماهنگ با خاکستری حاصل از مشاهده حروف فارسی ایجاد کند و در یک نگاه چندان به چشم نیاید.

انتخاب حروف عنوان‌ها، به سلسله مراتب عنوان‌های کتاب بستگی دارد و نیز به حروف متن.

فرعی‌ترین عنوان را معمولاً می‌توان هم شماره حروف متن یا حتی کمی کوچک‌تر از آن ولی سیاه در نظر گرفت و سایر عناوین را به ترتیب با حروفی سیاه و بزرگ‌تر انتخاب کرد. عنوان‌ها در یکی از سه وضعیت وسط در وسط، راست چین یا چپ چین قرار می‌گیرند و در یک کتاب خاص، باید تنها یکی از این سه وضعیت را مورد استفاده قرار داد.

اما اگر فقط عنوان‌های اصلی وسط در وسط چیده شوند و عنوان‌های فرعی راست چین شوند (که شیوه متداولی برای عناوین فرعی ست) اشکالی ندارد.

معمولاً حروف سرصفحه‌ها، سیاه و به صورتی محسوس کوچک‌تر از حروف متن است. محل قرارگیری سرصفحه‌ها معمولاً طرف برش کتاب یعنی مخالف عطف است.

سرسفحه‌ها می‌توانند با حروف سیاه چیده نشوند به شرطی که تفاوت کافی با حروف متن داشته باشند.

معمولاً سرصفحه در صفحه‌ای که فصل تازه در آن آغاز می‌شود، حذف می‌گردد.

جدول ۱-۳

علامت	معنی	کاربرد
	فاصله کم شود.	بین دو کلمه یا اجزای یک کلمه در سطر
	فاصله زیاد شود.	بین دو کلمه یا اجزای یک کلمه در سطر
	فاصله کم شود.	بین دو سطر زیر هم
	فاصله زیاد شود.	بین دو سطر زیر هم
	عنوان وسط در وسط	در دو طرف عنوان قرار می گیرد.
	حدّ راست عنوان یا سطر	حدّ راست عنوان یا سطر به سمت راست تا ابتدای سطر
	حدّ چپ عنوان یا سطر	حدّ چپ عنوان یا سطر به سمت چپ تا انتهای سطر
	ده پونت فاصله اضافه شود	اضافه کردن فاصله بین دو مطلب به مقدار معین در یک سطر (افقی)
	ده پونت فاصله اضافه شود	اضافه کردن فاصله بین دو سطر (عمودی)
	کاپیتال	فقط در حروف لاتین برای مشخص کردن حروف بزرگ (کاپیتال) به کار می رود.
	عنوان در دو سطر	در داخل عناوین برای تبدیل آنها به دو یا چند سطر استفاده می شود.

پایه کار یا گرید^۱

«پایه کار» یا «گرید»، نظامی بصری است که برای قانونمند کردن حاشیه‌های صفحات کتاب، فاصله سطرها از یکدیگر و فاصله ستون‌ها در حالتی که متن هر صفحه بیش از یک ستون باشد، و یکسان سازی این عوامل در کل کتاب از آن استفاده می شود.

در نشر روی میزی پس از تعریف گرید در رایانه، تمام صفحات کتاب را بر مبنای آن صفحه‌آرایی می کنند و طراحی گرید مناسب، سبب می شود که وحدت لازم در شکل تمام صفحات کتاب برقرار گردد و نظم لازم در استقرار عناصر بصری ایجاد شود.

در کشور ما از قرن‌ها پیش، خوشنویسان برای یکسان بودن فاصله و طول سطرها در کتاب‌های خطی، از صفحه ای مقوایی استفاده می کردند که در آن محل کرسی خطوط، ریسمانی کشیده شده بود.

یعنی، در یک صفحه مقوایی به اندازه صفحات کتابی که قرار بود خوشنویسی شود،

1 - grid



شکل ۱-۳- دوصفحه مقابل هم از قرآنی خطی متعلق به قرن دهم هجری قمری با خوشنویسی نسخ؛ موجود در کتابخانه‌ای واقع در دوبلین. برای صفحه‌آرایی این نسه خطی از مسطر استفاده شده است.

در ابتدا و انتهای سطرهای مورد نظر، سوراخ‌های تعبیه و سپس، نخ مخصوصی از آنها عبور داده می‌شد. به گونه‌ای که در وضعیت کرسی خطوط پس از کشیده شدن قرار گیرد. خوشنویسان، این صفحه مقوایی را زیر برگی از کتاب، که باید کتابت می‌شد، می‌گذاشتند و روی هر سطر، با فشار دست می‌کشیدند تا جای نخ بر کاغذ بماند و به این روش و با استفاده از اثر مختصر نخ بر کاغذ، کاتب بتواند مطابق طرح کلی پیش بینی شده برای کتاب، کلمات را بنویسد. این ابزار کتابت که «مَسْطَر» نام داشت دقیقاً همان کاری را انجام می‌داد که گریدهای امروزی کتاب یا سایر نشریات انجام می‌دهند.

مطالعه آزاد

خطوط و علامت‌هایی که در گرید کتاب رسم می‌شوند، به موضوع کتاب و روحیه صفحه‌آرایی آن ارتباط دارد. در پایه کار یک متن بدون تصویر یا کم تصویر، فقط رسم خطوط افقی کرسی^۲ و خطوط عمودی ابتدا و انتهای سطرها کافی ست و حتی ضخامت حاشیه‌ها را اگر در گرید مشخص نکنند، اشکالی ندارد زیرا در مرحله مونتاژ لیتوگرافی، منظور طراح قابل اجراست.

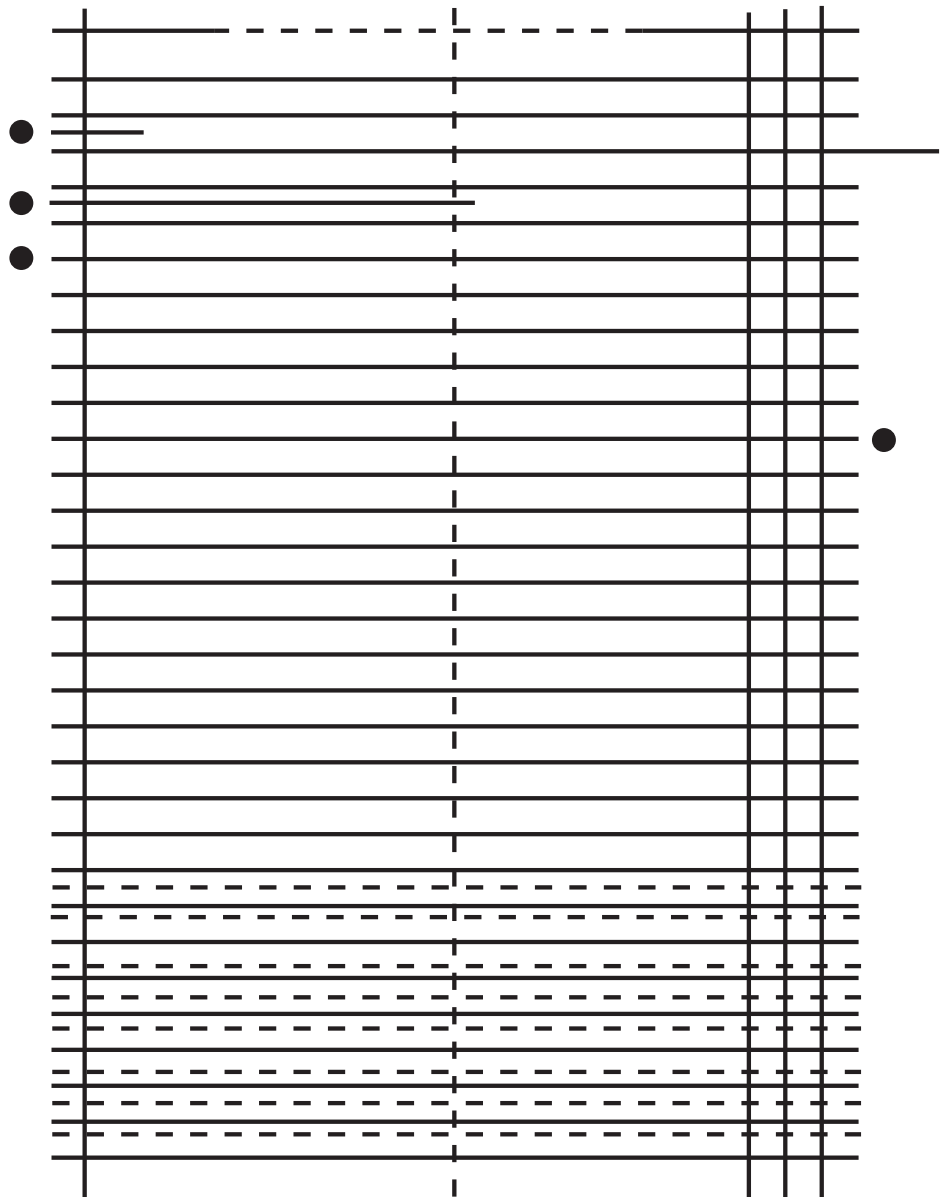
اما در صفحه‌آرایی یک کتاب درسی مصور مثلاً فارسی اول دبستان، غیر از خطوط افقی به تعدادی خط عمودی نیاز داریم که تصاویر کوچک واقع در صفحه، روابط منظم و ارتباطات لازم بصری را داشته باشند. گرید چنین کتابی می‌تواند یک شبکه شطرنجی باشد که بتوان تصاویر کوچک هر صفحه و کلمات خطاطی شده را به طور متناسب و منظم در جای خود قرارداد.

در پایه کار کتاب، غیر از خطوط افقی مربوط به کرسی سطرها و خطوط عمودی مشخص کننده ابتدا و انتهای سطرها، باید هر خط و علامتی که می‌تواند در صفحه‌آرایی به صفحه‌آرا کمک کند، رسم گردد.

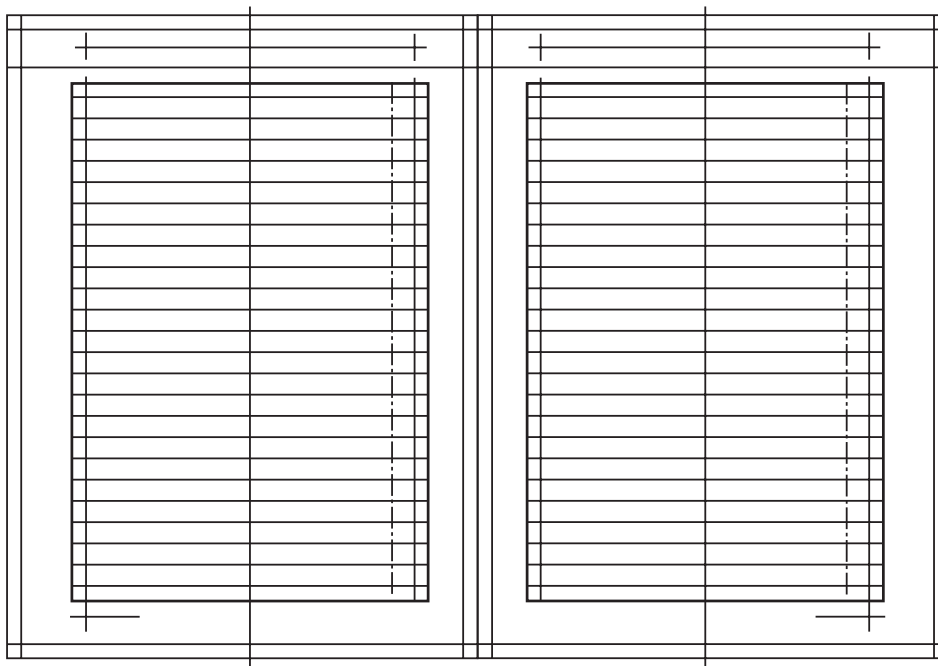
۱- در جلد سوم فرهنگ معین، صفحه ۴۱۱۱ (چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۲، مؤسسه انتشارات امیرکبیر) واژه، «مسطره» به معنی «خط کش» و «مسطر» به معنی کاغذ خط کشی شده (دارای مسطر) نیز آمده است.
۲- در زبان فارسی به خطی که قسمت افقی حروفی مانند ب، پ، ت و نیز دندانه‌های حروفی مانند س، ش و حالت متصل این حروف یعنی ب، پ، ت، س، ش و حروف مشابه روی آن قرار می‌گیرند، «خط کرسی» می‌گویند. کرسی خط لاتین، خطی ست که از زیر حروف بزرگ که اصطلاحاً به آن کاپیتال می‌گویند، می‌گذرد.

مانند علامتی که $\frac{1}{3}$ بالای صفحه را مشخص می کند و برای تعیین شروع فصل ها می تواند کاربرد داشته باشد و یا تورفتگی لازم برای اول پاراگراف ها که «سرسطر» نامیده می شود و با خط چین یا خطی ممتد مشخص می شود؛ یک خط تقارن که برای چسباندن تیرهای وسط در وسط به کار می آید، علایمی که جای شماره صفحه و تکرار نام کتاب در صفحات زوج را مشخص می کند و موارد دیگری از این قبیل.

► شکل ۲-۳- گرید صفحات کتاب «تاریخ تمدن» اثر «ویل دورانت» ناشر: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵. محل قرارگیری سطر اول و دوم تیر و انواع آن با دایره مشخص شده است. خط چین های پایین صفحه برای صفحه آرا در تنظیم پانوشت ها کاربرد داشته اند.



همان گونه که در شکل ۳-۳ دیده می شود، برای نوشتن شماره صفحه، نام کتاب، نام فصل در صفحات کتاب، باید به صورت دو خط متقاطع، محل قرارگیری این عوامل را در گرید مشخص کرد.



شکل ۳-۳- گرید یک کتاب که در قسمت بالای آن جای واژگان سر صفحه و در قسمت تحتانی جای شماره صفحه مشخص شده است. خط تقارن صفحه که در حالت عمودی رسم شده است، برای تعیین محل استقرار تیتراها و میان تیتراها کاربرد دارد و خط چین، محل قرارگیری تورفتگی شروع پاراگراف هاست که در اصطلاح به آن "سرسطر" می‌گویند.

این خطوط متقاطع، باید به گونه ای در گرید تعریف شوند که هم دقیقاً محل شماره صفحه مشخص باشد و پایین آن روی خط تنظیم گردد و هم جای واژگان دیگر مانند نام کتاب و نام فصل در نظر گرفته شده باشد.

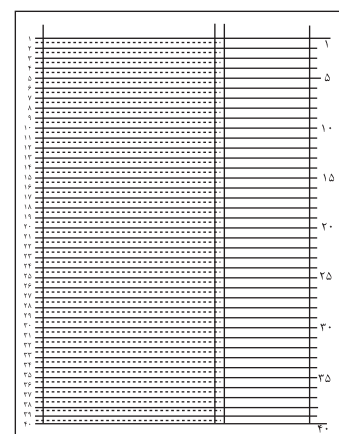
محل قرارگیری، نباید به برش نزدیک شود و به سطح حاصل از استقرار حروف متن معمولاً نزدیک تر است.

گرید معمولاً باید با خطوط نازکی در رایانه تعریف شود که حدود ۰/۲ میلی متر برای ضخامت خطوط آن کافی است.

گرید، یک الگوی از پیش تعیین شده نیست، بلکه در هر نوع کتابی حالتی ویژه می‌تواند داشته باشد که سبب استقرار مناسب عناصر بصری متفاوتی مانند: حروف متن، عنوان‌ها، ریزنقش‌ها شود.

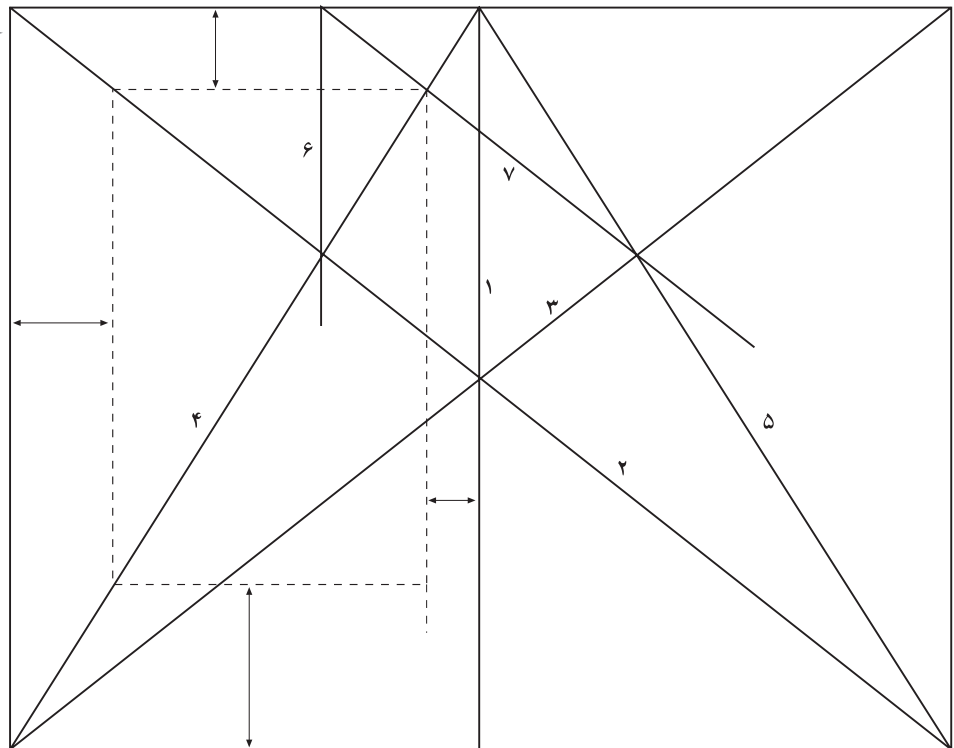
گرید باعث ایجاد تناسب بین طرح و مطالب، تبدیل پراکندگی به تجمع، ایجاد خلاقیت‌های منطقی و جلوگیری از اتلاف وقت می‌شود و امروزه در تمام مواردی که با سطرهایی از نوشتار سروکار داریم، ضروری است.

شکل ۳-۵، نشان می‌دهد که چگونه حاشیه‌های صفحه را در کتاب‌های خطی و نخستین کتاب‌های چاپی تعیین می‌کرده‌اند.



شکل ۳-۴- پایه کار یک کتاب درسی یا قطع رحلی (۲۸/۵×۲۱ سانتی‌متر). ستون باریک، ویژه تصاویر و شرح آنهاست و ستون پهن، متن کتاب را در بر می‌گیرد. سطرها پنج تا پنج تا شماره دارند تا طول ستونی از حروف چینی را بتوان با آن اندازه گرفت.

شکل ۵-۳- تعیین چهار حاشیه
هر صفحه کتاب بر مبنای تناسب
طلایی (شماره‌های ۱ تا ۷ ترتیب
رسم خطوط را مشخص می‌کند).



در ادبیات صفحه‌آرایی، به این چهار حاشیه که در هر صفحه کتاب وجود دارد، «مارژین»^۱ می‌گویند که واژه‌ای انگلیسی ست به معنای کناره و حاشیه این حاشیه بدون نوشته، از گذشته‌های دور در تولید کتاب مرسوم بوده است و بی وجود آن، عمل خواندن با دشواری صورت می‌پذیرد.

این چهار فاصله اطراف صفحه، یعنی فاصله سطح نوشته‌ها در هر صفحه تا عطف و بالا و پهلوی و پایین، هم اندازه نبوده‌اند و اندازه‌های آنها با استفاده از تناسب طلایی^۲ به ترتیب به نسبت اعداد ۲، ۳، ۴، ۶ یا ۱/۵، ۲، ۳، ۴ تعیین می‌شده است.

1 - Margin

۲- در قرن نوزده میلادی توجه «ادوارد لوکاس» نظریه پرداز و ریاضیدان فرانسوی به خصوصیت ویژه سری اعداد (۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، ۳۴، ۵۵ و...) جلب شد که هر یک از این اعداد حاصل جمع دو عدد قبل از خود است و اگر یکی از آنها را به عدد ماقبل خود تقسیم کنیم، عددی نزدیک به $1/618$ به دست خواهد آمد. این سری اعداد توجه ریاضیدانان، بیولوژیست‌ها و معماران و هنرمندان را به خود جلب نمود زیرا نظیر این تناسب را در اجزای گیاهان و صدف‌ها و بسیاری از مظاهر طبیعت مشاهده می‌کردند. نقاشان پی بردند (قبل از آن هم، به طور ناخودآگاه در آثارشان رعایت کرده بودند) که اگر سوژه را در جای خاصی از تابلو قرار دهند بهتر از جای دیگر خواهد بود. مثلاً اگر اساس ترکیب بصری (کمپوزیسیون) تابلویی را مثلث تشکیل بدهد، باید رأس آن در جایی قرار بگیرد که اگر از آنجا بر قاعده عمود کنیم، قاعده را به نسبت طلایی به دو بخش تقسیم کند یعنی نسبت ۳ به ۵ یا ۵ به ۸ یا ... در دوره معاصر هم، بعضی معماران بزرگ مانند لوکوربوزیه در آثار خود از تناسب طلایی استفاده کرده‌اند و در زمینه‌های دیگر هنرهای کاربردی نیز می‌توان از این تناسب در موارد مناسب بهره برد.

از ابتدای تولید کتاب به روش حروف چینی، این تناسب طلایی در حاشیه صفحات کتاب‌های لاتین رعایت می شده است (شکل ۶-۳ و شکل ۷-۳) ولی در دهه‌های اخیر با تحولات هنری جهان و گسترش ارتباطات و پیدایش مکتب‌های هنری سنت شکن مانند «دادائیسم»^۱، دیگر در تعیین حاشیه‌ها الزامی برای در نظر گرفتن تناسب طلایی وجود ندارد.

شکل ۶-۳- دو صفحه مقابل هم مصور و یک صفحه بدون تصویر از کتابی متعلق به قرن ۱۵ میلادی که نسبت حاشیه‌ها طلایی است.



شکل ۷-۳- یک صفحه‌ی دو ستونی از متنی مذهبی، مربوط به سال ۱۴۶۷ میلادی که تناسب طلایی در حاشیه‌های سفید اطراف صفحه، رعایت شده است.

برای رعایت اقتصاد و صرفه جویی در مصرف کاغذ، به طور کلی سطح این حاشیه‌ها از کتاب‌های خطی و نخستین کتاب‌های چاپی، اکنون بسیار کمتر در نظر گرفته می شود. امروزه در طراحی گرید کتاب‌های مختلف، این اصل هنوز هم رعایت می شود که فاصله سطح حاصل از قرارگیری سطرها در کنار هم، باید کمترین فاصله را از عطف نسبت به بالا یا پایین یا سمت مخالف عطف داشته باشد زیرا این فاصله از میان چهار

۱- در اوایل قرن بیستم، نهضتی در نقاشی و ادبیات اروپا پدید آمد که شعار آن «بی شکلی مطلق» بود. پیروان این مکتب به اصول و موازین زیباشناسی اعتقادی نداشتند و با وجود آن که این نهضت دوامی نیافت اما در اصول زیباشناسی تأثیر فراوانی بر جای گذاشت و در ایجاد مکتب سورئالیسم و دیگر نهضت‌های جدید هنرهای تجسمی، مؤثر افتاد.

فاصله حاشیه‌های صفحه، تنها فاصله‌ای است که در دو صفحه مقابل هم، در کنار خودش تکرار می‌شود و از جهت حسی نیز چون دو صفحه مقابل هم یک نمای بصری را به وجود می‌آورند، بهتر است بین دو نیمه این نما، حداقل فاصله ضروری وجود داشته باشد.

برای مطالعه

در حروف چینی سربی دستی و ماشینی که تا چندی قبل برای تولید کتاب مرسوم بود، طول سطر مناسب برای قطع‌های رایج در ایران یعنی جیبی یا پالتویی، رقعی، وزیری و رحلی، به ترتیب جدول ۲-۳ بود که اکنون نیز تقریباً همین اندازه‌ها در نشر روی میزی و آماده سازی کتاب با رایانه استفاده می‌شود و در هر حال نباید طول سطر انتخاب شده، تفاوت زیادی با این اندازه‌های مرسوم، داشته باشد.

جدول ۲-۳

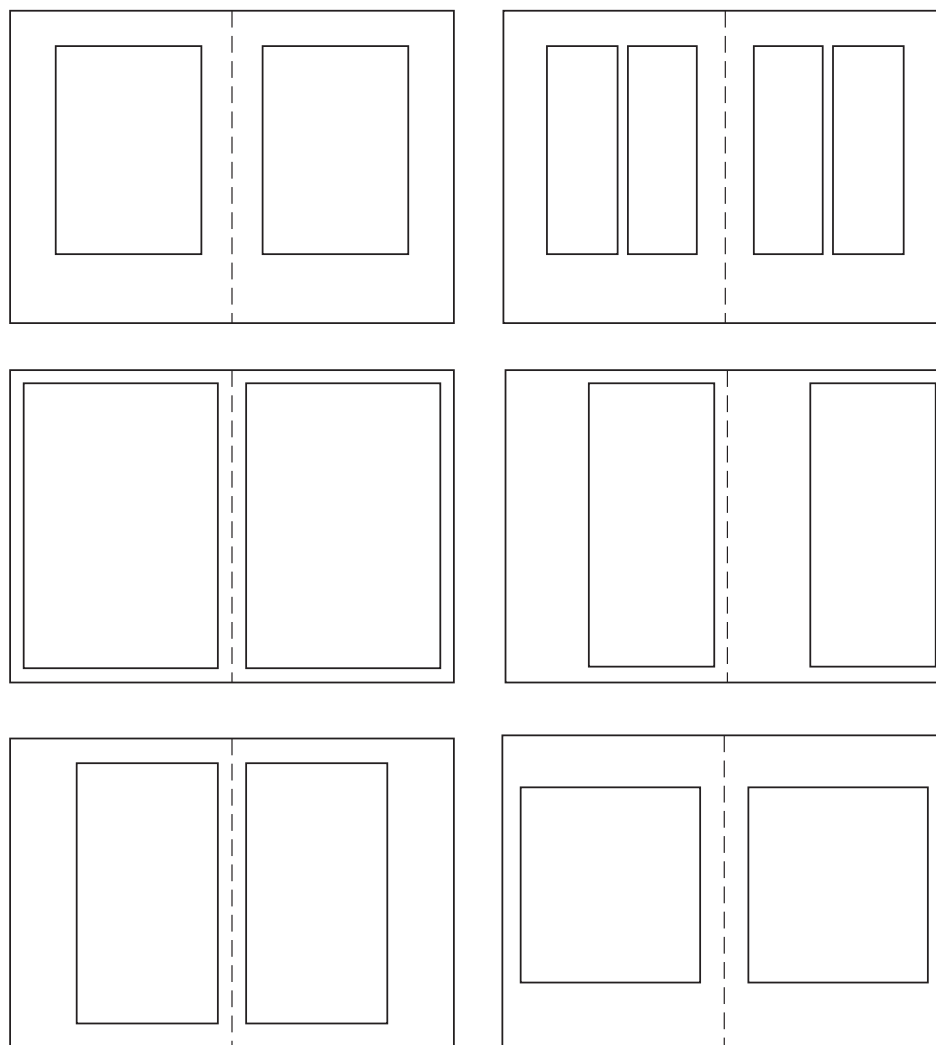
قطع کتاب	اصطلاح مشخص کننده‌ی طول سطر	محاسبه‌ی طول مناسب سطر با کسر یک سیسرو از ابتدا و انتهای سطر (بر حسب سانتی‌متر)
جیبی یا پالتویی	اشپون پنج*	$(5 \times 1/8) - (2 \times 0/45) = 9 - 0/9 = 8/1$
رقعی	اشپون شش	$(6 \times 1/8) - (2 \times 0/45) = 10/8 - 0/9 = 9/9$
وزیری	اشپون هفت	$(7 \times 1/8) - (2 \times 0/45) = 12/8 - 0/9 = 11/7$
رحلی	اشپون هشت	$(8 \times 1/8) - (2 \times 0/45) = 14/4 - 0/9 = 13/5^{**}$

یکی از انواع گرید کتاب که برای کتاب‌هایی استفاده می‌شود که تصاویر زیادی دارند و یا فقط مجموعه تصاویری را ارائه می‌کنند تقسیم صفحه به واحدهای یک اندازه است.

در این روش، پس از در نظر گرفتن حاشیه‌های لازم برای صفحه، بقیه سطح صفحه را به تعدادی مربع تقسیم می‌کنند و زمینه شطرنجی حاصل شده، اساس صفحه‌آرایی می‌شود که هر عکس، تعدادی مشخص و عدد صحیحی از واحدهای مربع شکل را اشغال می‌کند. تعداد این مربع‌ها ارجح است که زیاد نباشند.

* منظور پنج گواد راد است. هر گواد راد برابر دوازده سیسرو و هر سیسرو ۴/۵ میلی‌متر است.
** اگر حروف متن درشت نباشد، خواندن سطری با این طول خسته کننده است و در نتیجه، بیشتر کتاب‌های رحلی را دو ستونی صفحه‌آرایی می‌کنند تا طول سطرها کوتاه شود.

در حالت اخیر، باید تعداد تقسیمات صفحه را زیاد کرد که امکان در نظر گرفتن تعداد مناسبی از مربع‌ها برای هر تصویر، بدون آن که قسمتی از آن حذف شود، افزایش یابد. شکل‌های ۳-۸ تا ۳-۱۲، نمونه‌هایی از این گونه‌ها را نشان می‌دهند.



شکل ۳-۸- تصویر صفحات مقابل هم شش کتاب مختلف که سطح حروف در آنها مشخص شده است. تناسب سنتی حاشیه‌ها در طرف عطف ۲ واحد، طرف مقابل عطف ۴ واحد و پایین ۵ یا ۶ واحد است که تنها، در بعضی از این نمونه‌ها رعایت شده است.

فاصله ای که در گزید، بین مربع‌ها دیده می‌شود، فاصله دو عکس از یکدیگر یا فاصله متن از تصویر است که در مثال‌ها، صفحه ای هم که با گزید طراحی شده است، در کنار آن قرار دارد.

شکل ۳-۹



شکل ۳-۱۱

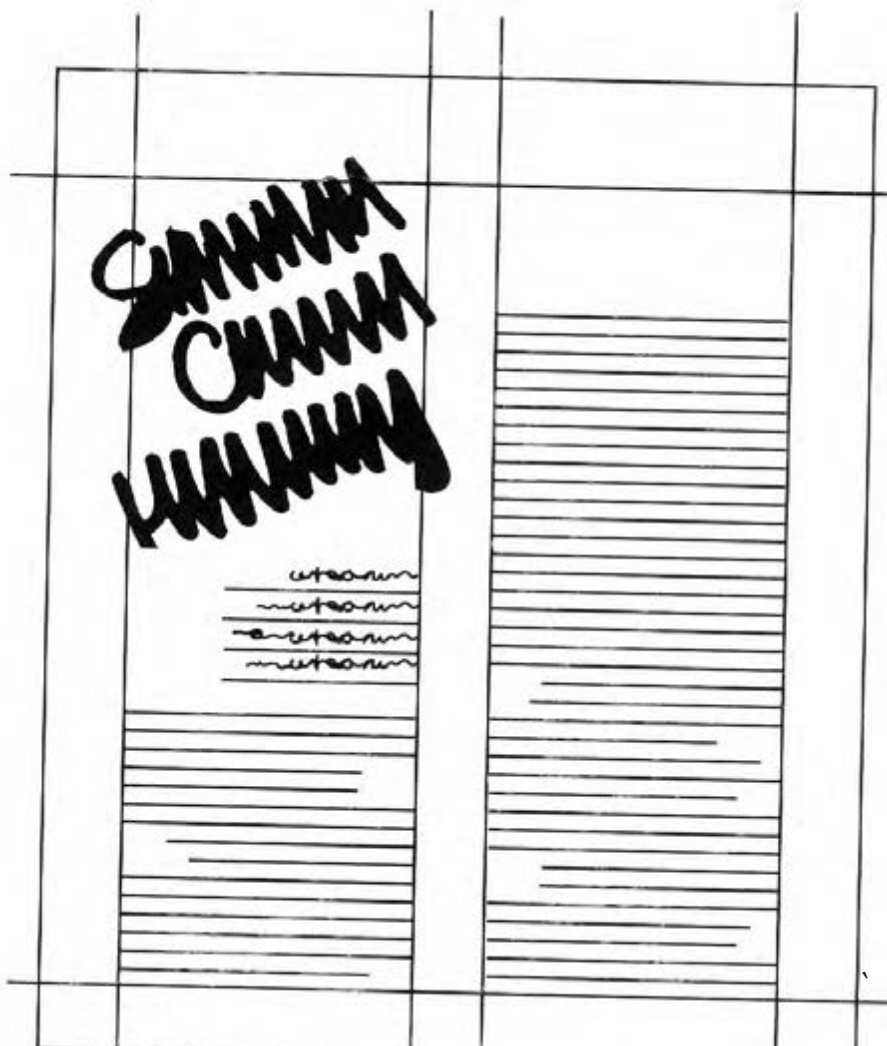
شکل ۳-۱۰



شکل ۳-۱۲

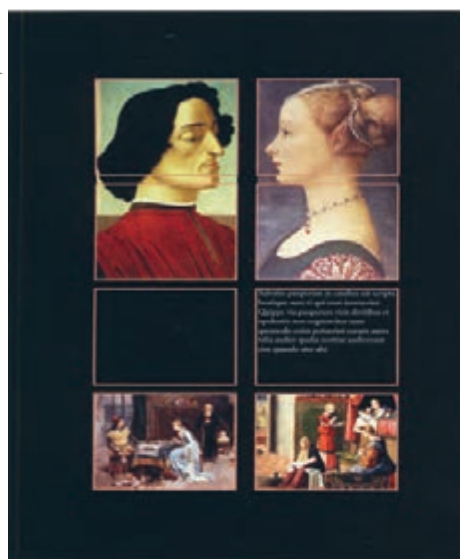


کاربرد گرید در مجله
شکل ۱۲-۳- الف



شکل ۱۲-۳- ب

شکل ۱۲-۳- ج
 کاربرد گرید در کتاب مصور

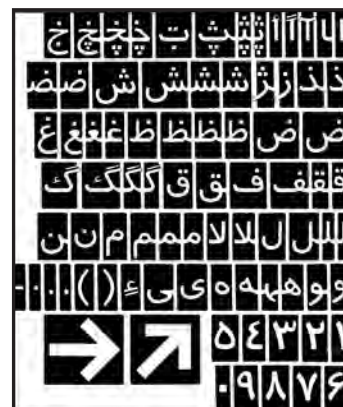


در این روش طراحی گزید، البته اگر واحدهای تقسیم شده به شکل مربع باشند، امکانات بصری مناسبتری ایجاد می‌شود؛ ولی اگر این واحدها مستطیل هم باشند، کاملاً عملکرد دارند و حتی در مواردی ممکن است ضرورتی سبب شود که به جای مربع، مستطیل افقی یا مستطیل عمودی و حتی متوازی الاضلاع یا لوزی در نظر گرفته شوند. علاوه بر کاربرد گزید در صفحه‌آرایی کتاب، مجله، روزنامه، کاتالوگ و بروشور و لزوم آن در هر اثر گرافیک که چند سطر واژه داشته باشد، حضور آن در بسیاری از سایر آثار گرافیک مشاهده می‌شود: در یک سری پوستر که به مناسبتی منتشر می‌شوند، ممکن است طراح نوشته‌های این پوسترها را بر اساس گزید مشخصی در صفحه قرار دهد. در جعبه‌های داروی تولید شده در یک مؤسسه، ممکن است برای محل عنوان دارو، روی جعبه و توضیحات مختلف دیگر، هر کدام محل ویژه‌ای در نظر گرفته و گزید مناسب برای نوشته‌های روی بسته‌بندی طراحی شود. یک سری تبلیغ مجله‌ای مربوط به موضوعی واحد، ممکن است گزید ویژه‌ای داشته باشند (شکل ۱۳-۳).



شکل ۱۳-۳ سه تبلیغ تمام صفحه‌ای متحدالشکل مجله‌ای برای یک موضوع واحد.

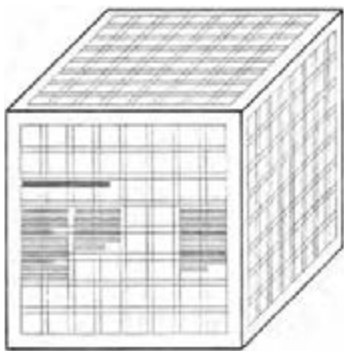
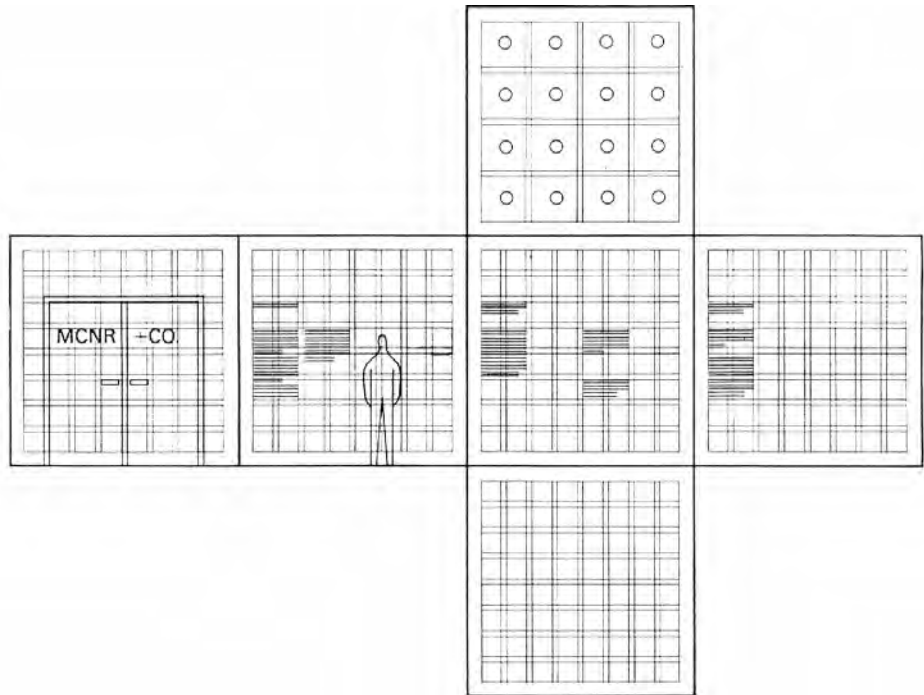
طراحی حروف، معمولاً با استفاده از یک شبکه گزید اجرا می‌شود (شکل ۱۴-۳). مثال‌های متنوع دیگری نیز می‌توان برای کاربرد گزید در کارهای مختلف گرافیکی ارائه کرد؛ از جمله دیپلم‌های افتخار، گواهینامه‌ها، یک سری کارت ویزیت، کارت‌های شناسایی و کارت‌های مشابه آن، اوراق اداری، پوشه و پاکت، انواع تقویم و... کاربرد گزید به عنوان یک نظام بصری در بسیاری از موارد زندگی روزمره دیده می‌شود: خطوط رسم شده در پارکینگ‌های اتومبیل که محل توقف اتومبیل‌ها را مشخص می‌کند؛ در معماری داخلی برای تعیین محل درها، پنجره‌ها، چراغ‌ها، دریچه تأسیسات و موارد مشابه دیگر و در آرایش غرفه‌های نمایشگاه برای سامان دادن محل استقرار



شکل ۱۴-۳ فونت کامل حروف معروف به «ترافیک» که استفاده از گزید در طراحی آن کاملاً مشخص است.

تصاویر و نوشته‌ها (شکل‌های ۳-۱۵ و ۳-۱۶). در طراحی مبلمان (شکل ۳-۱۷)، نقاشی (شکل ۳-۱۸). معماری (شکل ۳-۱۹) نیز حضور گرید دیده می‌شود.

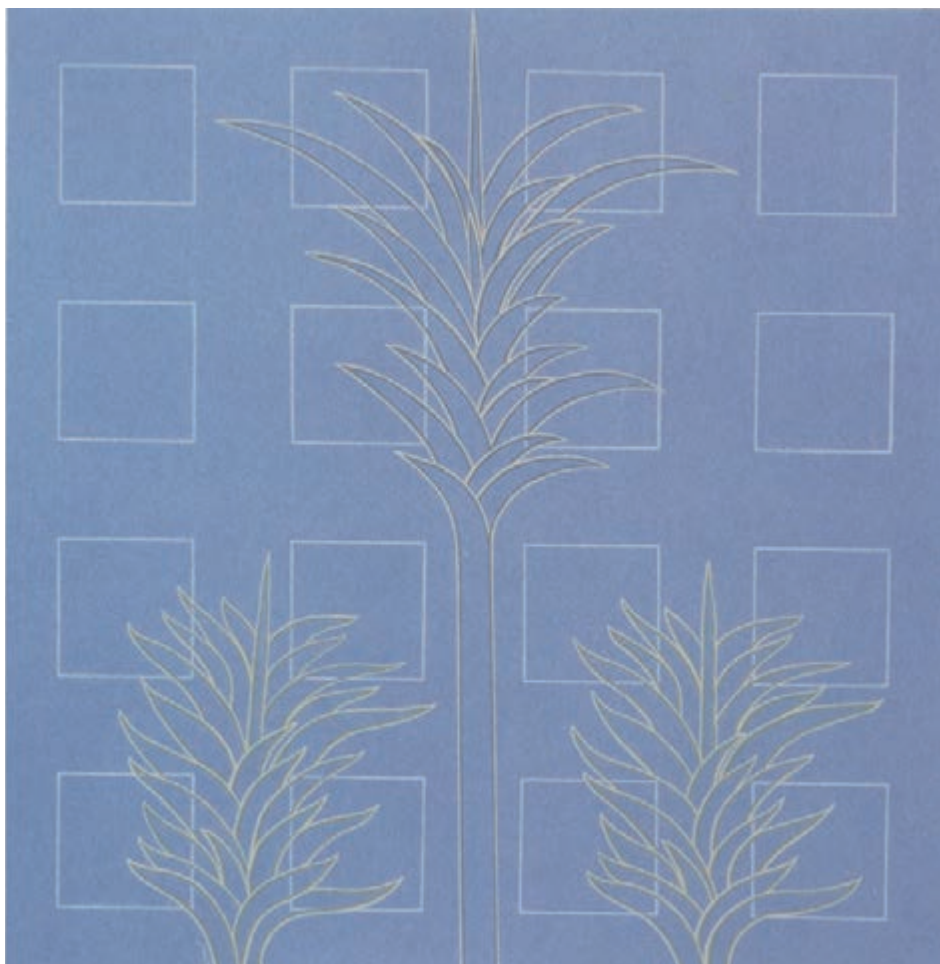
► شکل ۳-۱۵ این طرح نشان می‌دهد که در معماری داخلی یک فضای مشخص، چگونه با استفاده از گرید، ارتفاع و عرض در، محل نصب اعلامیه‌ها و پوستره‌های اطلاع‌رسانی، مکان نصب چراغ‌های سقف تعیین شده‌اند.



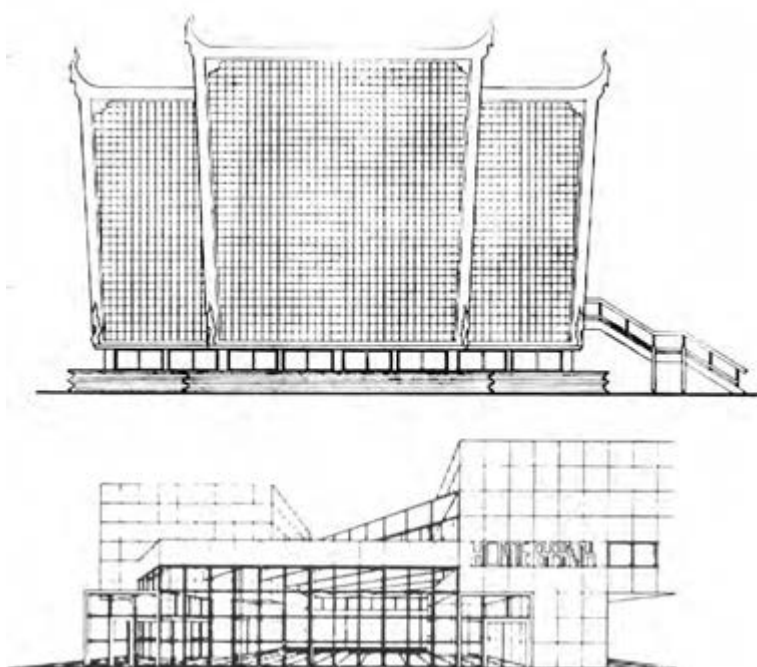
▲ شکل ۳-۱۶ کاربرد سه‌بعدی گرید که به طور مثال در طراحی داخلی یا خارج یک غرفه‌ی نمایشگاهی می‌توان از آن استفاده کرد.



► شکل ۳-۱۷ کاربرد گرید در طراحی مبلمان



شکل ۱۸-۳ کاربرد گرید در
یک تابلو نقاشی، ۱۰۰×۱۰۰
سانتی‌متر، آکرلیک روی بوم،
۱۳۸۶، اثر مهدی حسینی



شکل ۱۹-۳ کاربرد گرید در
معماری

چگونگی صفحه آرای کتاب:

کتاب‌ها را از نظر صفحه آرای، می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد: یک گروه، کتاب‌هایی مانند ادبیات داستانی که تصویر، نمودار و جدول ندارند و فقط واژگان به عنوان حروف متن و تیتراهای اصلی و تیتراهای فرعی و پانویست و... در صفحات آنها دیده می‌شود. این گونه کتاب‌ها نیازی به طراح گرافیک ندارد و حروفچین، مطابق دستورالعملی که به او داده شده است، در ارتفاع تعیین شده برای هر صفحه و طول سطر مشخص بر مبنای قطع کتاب و اندازه حروف معلوم، تمام صفحات را تنظیم می‌کند و سرصفحه‌ها را در محل ثابتی قرار می‌دهد.

سرسفحه‌ها، تنها واژگانی هستند که مجازند در حاشیه‌های صفحه قرار گیرند. معمولاً سرصفحه سمت راست، که در صفحه زوج واقع می‌شود، نام کتاب است و سرصفحه سمت چپ، که در صفحه فرد قرار دارد، نام فصل می‌باشد.

به بیان کامل‌تر، عنوانی که ثابت‌تر است در صفحه زوج و مطلبی که نسبت به این صفحه زودتر تغییر می‌کند در صفحه فرد قرار می‌گیرد.

سرسفحه‌ها، عامل مناسبی برای تزیین صفحه هستند و نوع قلم و اندازه و محل قرارگیری آنها اهمیتی اساسی در شکل صفحه و تأثیر بصری آن دارد. مثلاً در کتابی که درباره معارف اسلامی است، می‌توان نقش اسلیمی کوچک و ظریفی را در ترکیب با سرصفحه به کاربرد و شکل صفحه را زیباتر نمود و به فضای صفحه نیز روحانیتی بخشید.

نکته بسیار مهم این که در به کارگیری هر نقشی که قرار است در تمام صفحات کتاب تکرار شود، این واقعیت را باید در نظر داشت که نقش مزبور، از نظر بصری باید بسیار سبک باشد. یعنی یا بسیار ریز و با رنگی تیره و یا کمی درشت‌تر ولی با رنگی بسیار روشن و نزدیک به رنگ زمینه. این موضوع، شامل خطوط سرصفحه نیز می‌شود که اگر تمایلی به استفاده از خط در سرصفحه است، بهتر است نازک و ظریف اجرا شود.

در بیشتر کتاب‌ها، برای آرایش صفحات، نیازی به استفاده از نقش خاصی نیست و با انتخاب حروف صحیح و فواصل مناسب، صفحه را آرایش می‌نماییم و در نهایت، گاهی از خطوط مستقیم نازک برای رسیدن به ترکیب بصری مناسب در صفحه مدد می‌جوییم. در این گروه از کتاب‌ها، مدیر تولید مؤسسه نشر، ضوابطی را برای تمام جنبه‌های

بصری کتاب در نظر می گیرد که با استانداردهای تولید کتاب، سازگار باشد و تمام صفحات کتاب با رعایت این ضوابط آماده می گردد.

بدیهی است که موارد مشابه در تمام کتاب باید همگون و یک شکل باشند؛ مانند: محل استقرار تیتراها و میان تیتراها و تیتراهای فرعی تر و چگونگی شروع مطلب در آغاز فصل ها.

در هر صفحه، فقط باید پانوشتهایی را بیاوریم که متن مربوط به آن هم در همان صفحه موجود است. پانوشتها باید در قسمتی از صفحه بیایند که سطح حروف است و به حروف متن اختصاص دارد؛ یعنی صفحاتی که پانوشته دارند، از پایین کاملاً باید با صفحات بدون پانوشته در یک امتداد باشند و سطر آخر پانوشته در امتداد سطر آخر متن صفحه مجاور گیرد. چون فاصله سطرهای پانوشته کمتر از فاصله سطرهای متن است، فاصله بین آخرین سطر متن با اولین سطر پانوشته، در صفحات مختلف پانوشته دار یک کتاب واحد، یکسان نیست.

میان متن و پانوشته، گاهی هیچ نوع علامتی نمی گذارند؛ اما گاهی یک خط کوتاه رسم می کنند (حداقل حدود طول سطر) در بعضی کتاب ها بین متن و پانوشته یک خط کامل برابر طول سایر سطرها رسم می کنند که این روش را توصیه نمی کنیم؛ بهتر است که هیچ خط و علامتی بین آخرین سطر متن و شروع پانوشته نگذاریم و یا از یک خط کوتاه استفاده کنیم.

مطالعه آزاد

درمورد پانوشته صفحات کتاب، موارد زیر را باید رعایت نمود:

● پانوشته های فارسی و پانوشته های فارسی و لاتین، همیشه از راست به چپ و با شماره های فارسی چاپ می شوند.

● پانوشته های لاتین، همیشه از چپ به راست و با شماره های لاتین حروف چینی و صفحه آرایی می گردند.

● در پایان پانوشته های توضیحی و ارجاعی باید نقطه گذاشت. اما اگر در پانوشته فقط نام یا اصطلاح آورده شود، در پایان آن نیازی به نقطه نیست.

● اگر پانوشته ها کوتاه باشند و بخواهیم آنها را دنبال یکدیگر بیاوریم، فاصله میان

انتهای یک پانوست و ابتدای پانوست بعدی، معمولاً دو سیسرو یعنی ۹ میلی متر است. در هر حال، این مقدار بهتر است ثابت باشد و در سراسر کتاب ثابت بماند. در سال‌های اخیر، با رواج نشر روی میزی، این اندازه و نیز تورفتگی سطر در اول هر پاراگراف، بر اساس اعدادی مانند یک، یک و نیم، یا دو سانتی متر، در نظر گرفته می شود.

● در صورتی که در پایین صفحه برای تمام پانوست یا پانوست‌ها جا نباشد، بقیه آخرین پانوست پایین صفحه، به صفحه بعد برده می شود. در این صورت، باید از نشانه پیکان ظریف و کوچکی هم در پایان صفحه و در منتهی الیه سمت چپ، زیر آخرین سطر و نیز در شروع پانوست در صفحه بعد در بالای منتهی الیه سمت راست استفاده نمود (→).

گروه دوم، کتاب‌های مصور هستند که در صفحه‌آرایی آنها، علاوه بر طرح یک ساختار کلی برای صفحه‌آرایی کتاب و شکل صفحه عنوان، صفحه حقوق، سرفصل‌ها و... - که در صفحه‌آرایی کتاب‌های بدون تصویر توضیح داده شد - نیاز است که صفحه‌آرا شناخت کافی از مفهوم ترکیب هنری یا کمپوزیسیون و به طور کلی مبانی هنرهای تجسمی داشته باشد تا بتواند در صفحه، درباره عوامل بصری، تصمیمات مقتضی مناسب و مطلوبی اتخاذ کند.

ساختار بصری، یعنی گرید این کتاب‌ها توضیح داده شد و البته صفحه‌آرا می تواند علاوه بر روش‌های ذکر شده، گرید مناسب برای یک کتاب مصور مشخص را طراحی نماید.

در کتاب‌های علمی و درسی که معمولاً تصویر هم دارند، تصمیم‌گیری در مورد جای تصاویر باید بسیار کاربردی و منطقی باشد و تصویر، نهایت نزدیکی را با متن مربوط به آن داشته باشد. باید برای اندازه تصاویر و چگونگی استقرار آنها در متن، تصمیمی ثابت گرفت.

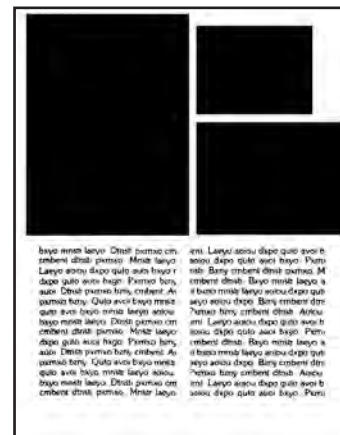
مثلاً باید مشخص کنیم که تصاویر وسط در وسط باشند یا در سراسر کتاب در سطح حروف صفحات کتاب قرار گیرند و وارد حاشیه‌ها نشوند و یا به حاشیه‌ها نیز وارد گردند و تا برش ادامه یابند.

شرح تصاویر هم باید با قلمی ریزتر از متن باشد و هم از نظر چگونگی آرایش و

قرارگیری در صفحه، در سراسر کتاب، وضعیتی ثابت و منطقی داشته باشد.

در کتاب‌های علمی، شرح عکس‌ها اغلب به صورت وسط در وسط^۱ تصاویر می‌آید ولی در کتاب‌هایی که روحیه بصری پویا و خلاقیتی دارند، شرح تصاویر در یک طرف عکس قرار می‌گیرد به گونه‌ای که سطرها با عکس فاصله‌ای مساوی (حدود ۳ تا ۵ میلی‌متر) داشته باشند و از طرف دیگر، طول سطرها نابرابر و آزاد باشد و فقط حداکثر طول سطرها مشخص باشد.

به این وضعیت حروف چینی شرح تصاویر اصطلاحاً «راست چین» یا «چپ چین» می‌گویند که منظور از راست چین، تراز بودن سطرها و زیرهم بودن ابتدای آنها از سمت راست است و مقصود از چپ چین، زیر هم بودن انتهای سطرها در طرف چپ می‌باشد. یکی از شیوه‌هایی که در کتاب‌های مصور می‌توانیم از آن، برای تعیین کادر تصاویر استفاده کنیم، رعایت نسبت ثابت طول به عرض در چند تصویر است که در مجاورت یا نزدیکی یکدیگر در صفحه واقع شده‌اند. این شیوه، نوعی تعادل بصری ایجاد می‌کند (شکل ۲۰-۳).



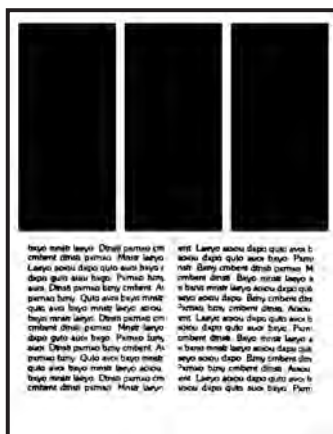
شکل ۲۰-۳

هر یک از ستون‌های حروف در شکل ۲۰-۳ و ۲۱-۳ و مجموع دو ستون حروف در شکل ۲۲-۳، مربع شکل هستند.

شکل ۲۲-۳



شکل ۲۱-۳

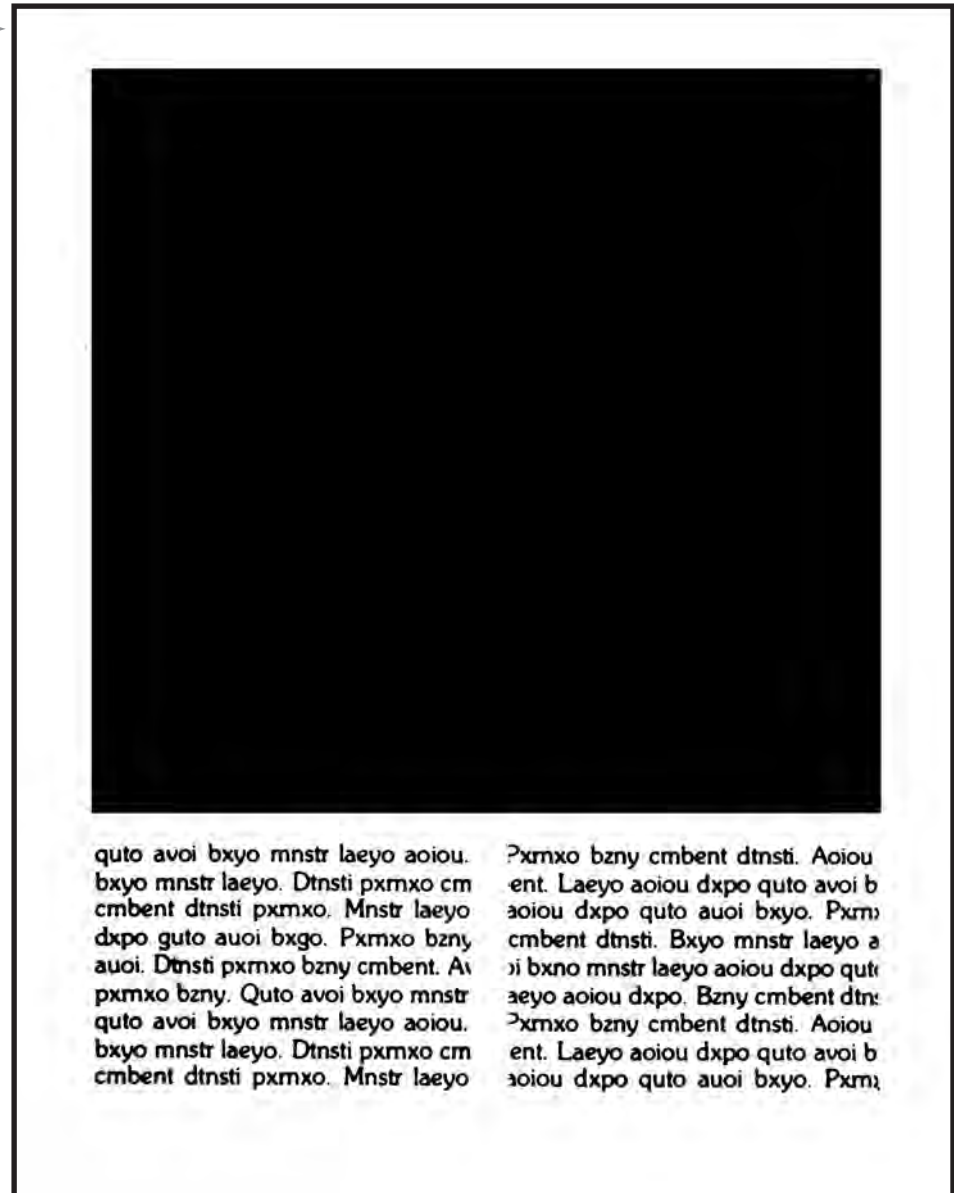


در صفحه‌آرایی، استفاده از مربع که یکی از سه شکل اصلی ست راه مناسبی است که صفحه‌آرا بتواند به سهولت و سرعت، به ترکیب بصری مناسبی برسد. یعنی کادر بعضی از تصاویر یا بعضی از ستون‌های حروف، می‌تواند مربع شکل باشد تا صفحه‌آرا را برای رسیدن به ترکیب بصری مناسب یاری دهد. کادر تصاویری هم که طول و عرض آنها ۱- اصطلاحی ست که برای کلمات یا سطرهایی به کار می‌رود که از دو طرف سطح حروف به یک فاصله باشند.

تفاوت مختصری دارد، بهتر است کاملاً مربع انتخاب شود، یعنی از یک طرف عکس مقداری حذف گردد.

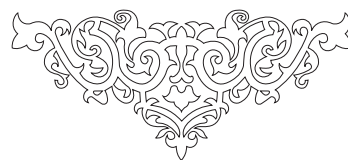
در شکل ۲۳-۳، فضای تصویر مربع است و ممکن است برای رسیدن به ترکیب بصری مناسب، چند مربع در دو صفحه مقابل هم از تصاویر داشته باشیم.

شکل ۲۳-۳



سر فصل ها:

در مورد طراحی سرفصل های کتاب، معیار ویژه ای نداریم به غیر از این که شکل سرفصل ها باید با شکل صفحات معمولی و موضوع آن، هماهنگی و تناسب داشته باشد. مثلاً استفاده از نقش اسلیمی در سر فصل کتابی جایز است که موضوع آن به نوعی با



فرهنگ اسلامی ارتباط دارد.

شکل بعضی از طرح‌های اسلیمی، جهت و حرکت مشخصی دارد و چشم را به جهت معینی هدایت می‌کند (شکل ۲۴-۳). از این ویژگی استفاده می‌کنیم و مثلاً نوشته را در مقابل آن قرار می‌دهیم که چشم را به طرف نوشته عنوان فصل هدایت کند.

شکل ۲۴-۳
(حرکت از بالا به پایین)

در کتاب‌هایی که تعداد فصل‌ها نسبت به حجم کلی کتاب، زیاد است، سرفصل ممکن است هم در صفحه زوج و هم در صفحه فرد قرار گیرد و پس از انتهای هر فصل، بلافاصله طرح سرفصل بیاید. اما در کتاب‌هایی که تعداد فصل‌های آن زیاد نیست، بهتر است هر سرفصل، حتماً در صفحه فرد بیاید و پشت آن سفید باشد.

در سرفصل‌ها هم، بهتر است نوشته‌ها وارد سطح حاشیه‌هایی نشوند که در گرید مشخص گردیده‌اند. ولی چنان که خط یا طرح و نقشی حاشیه‌ها را قطع کند و تا برش صفحه ادامه یابد، اشکالی ندارد. در طراحی سرفصل‌ها ابداع خلاقیت و شخصیت بصری کتاب، که قاعدتاً متناسب با موضوع آن است، عوامل مهمی هستند که باید در نظر گرفته شوند.

طرح سرفصل کتاب غالباً نیازی به نقش و نگار ندارد و نباید به سادگی کتاب صدمه بزند. با انتخاب اندازه و نوع صحیح حروف عنوان فصل‌ها و فاصله حروف مناسب و یافتن بهترین مکان برای قرار گیری عنوان فصل در صفحه، می‌توان بدون استفاده از نقش و نگار، سرفصل‌های خوب و هنرمندانه‌ای را طراحی کرد. در کتابی، استفاده از نقش ویژه‌ای برای سرفصل جایز است که ارتباطی با موضوع آن داشته باشد و نقش انتخابی، با شخصیت موضوعی آن کتاب هماهنگ باشد.

اگر در کتابی، یک برگ کامل را به سرفصل اختصاص دهیم (روی صفحه طرح سرفصل باشد و پشت آن سفید)، در صفحه بعد که شروع مطلب فصل است، باید حدود $\frac{1}{3}$ بالای صفحه را خالی بگذاریم و سپس مطلب را شروع کنیم و در هیچ حالت نباید مطلب فصل، کاملاً از بالای صفحه شروع شود. ممکن است نوعی آرایش ثابت هم برای این قسمت، یعنی شروع متن فصل داشته باشیم که شامل همان اصولی می‌شود که ذکر گردید یعنی آرایش ساده و منطقی و رعایت شخصیت کلی موضوع کتاب.

تذکر این نکته ضروری است که در صفحات عادی کتاب و نیز صفحاتی از کتاب که سراسر آن یک جدول و یا یک تصویر باشد، شماره صفحه و کلمات سرفصل باید

گذاشته شود اما در صفحات سرفصل و نیز پشت آن که سفید است، نباید شماره صفحه و واژگان مربوط به سرصفحه و چیزهایی از این قبیل را گذاشت.

عنوان فصل، باید کاملاً خوانا باشد و طراح سرفصل، باید دو اصل را در نظر بگیرد: زیبایی و راحتی خواندن؛ و برای دستیابی به زیبایی، سعی کند که نگاهی نو و خلاق داشته باشد.

یکی از عوامل منفی که ارتباط بصری و یا به طور کلی هنر را تهدید می کند، ایجاد حالت کسالت بار و یکنواخت است. چشم و ذهن، ضمن علاقه به هارمونی و هماهنگی، به محرکها و عوامل تهییج کننده نیز نیاز دارد.

فاصله بین حروف که اصطلاحاً «کرنینگ»^۱ گفته می شود، در عنوان فصل باید رعایت گردد. برای مثال، حرف «الف» که بعد از حرف «ر» قرار می گیرد، معمولاً فاصله اش زیادتر از حد موزون است و کرنینگ مناسبی ندارد و وقتی «الف» را کمی به درون شکم «ر» می آوریم و به آن نزدیک تر می کنیم، شکل مناسبتری می یابد. کرنینگ، عبارتست از فشردگی و گسترده گی انتخابی هر یک از فواصل میان بخش های نوشتاری منفصل از هم یک کلمه.

این فاصله گذاری منحصرأً وظیفه طراح فونت است؛ اما حروفچین یا صفحه آرا در تیترو نویسی و مواردی که حروف در اندازه بزرگ استفاده می شوند، در دستیابی به فاصله مناسب دخالت می کنند.

اگر عنوان فصل در دو یا چند سطر ارائه شده است، فاصله متناسب سطرها یا «لدینگ»^۲ آن باید رعایت شود. شخصیت بصری خط هم باید با موضوع کتاب و فصل هماهنگ و متناسب باشد. در صفحه مقابل، نمونه هایی از فونت های موجود در نشر رومیزی ارائه شده است.

1 - kerning

2 - leading

ارشا	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
اصفهان	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
الهام	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
اندلس	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
بردیا	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
تاها	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
تبسم	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
ترافیک	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
تیر	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
دعوت	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
زر	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
شادی	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
فرناز	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
کامران	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
مهر	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
نارنج	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
نازنین	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
هلال	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
یاقوت	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
کودک	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.
یکان	موفقیت‌های بزرگ حاصل انجام درست کارهای کوچک است.

جداول و نمودارها:

مطالعه آزاد

در صفحه‌آرایی کتاب، هر گاه مجبور شویم نمودار یا جدولی را در حالت خلاف جهت متن در صفحه قرار دهیم در کتاب‌های فارسی زبان (مانند شکل ۲۵-۳) محل استقرار شرح جدول یا نمودار را قرار می‌دهیم. (شکل ۲۶-۳) همین مورد را در کتاب‌های زبان انگلیسی یا هر زبانی که از سمت چپ خوانده و نوشته می‌شود نشان می‌دهد. شماره و عنوان جدول بهتر است در بالای آن قرار گیرد و توضیحات دیگر در زیر آن.

در حروف چینی جداول باید در نظر داشت که حروف ترجیحاً باید مختصری از متن کوچک‌تر باشند، مقدار این کوچک بودن، بر حسب تعداد واژه‌هایی که در هر خانه جدول قرار می‌گیرد، متفاوت است. جداولی که در خانه‌های آنها مطالب بیشتری درج شده، بهتر است که نسبت به جداول با مطالب کمتر، حروف چینی ریزتری داشته باشند. در جدول‌ها اگر اعدادی زیر هم قرار گیرند، ستون‌های یکان، دهگان، صدگان، ... باید به موازات خط‌های قائم فرضی، زیر هم قرار گیرند.

۵

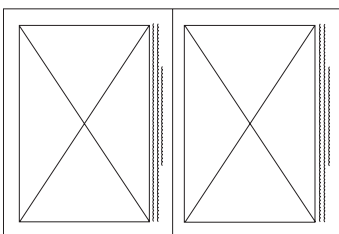
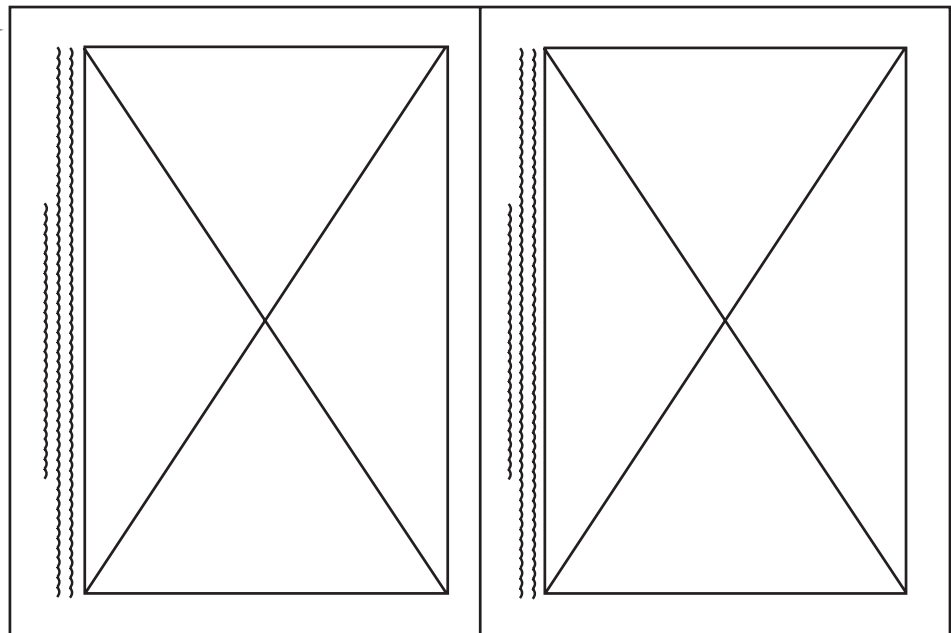
۱۸

۴۵۲

۶۷۹۳

گاهی ممکن است مطالب یک جدول از ارتفاع یک صفحه کتاب تجاوز کند. در این صورت، می‌توان دنباله جدول را در صفحه یا صفحه بعد ادامه داد. در این حالت بهتر است عنوان ستون‌ها را، به ویژه اگر شمار ستون‌ها زیاد باشد، برای آسان ساختن کار خواننده تکرار نمود.

شکل ۲۵-۳



شکل ۲۶-۳

تعیین اندازه تصاویر:

برای اندازه زدن تصاویر در صفحه آرایه کتاب‌های مصور، از رابطه زیر استفاده می‌کنیم:

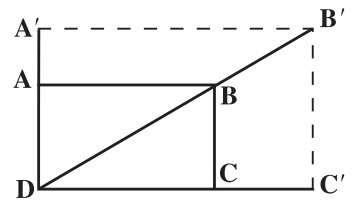
$$\frac{\text{طول تصویر در اصل صفحه آرایه}}{\text{عرض تصویر در اصل صفحه آرایه}} = \frac{\text{طول تصویر یا اسلاید موجود}}{\text{عرض تصویر یا اسلاید موجود}}$$

این مفهوم را با بیان زیر نیز می‌توان شرح داد:

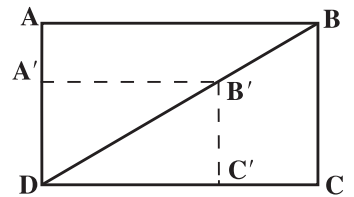
در بزرگ کردن تصویر ABCD، اگر طول تصویر جدید را داشته باشیم، برای یافتن عرض تصویر جدید، DC را ادامه می‌دهیم و نقطه C'، (شکل ۳-۲۷) را در امتداد آن طوری انتخاب می‌کنیم که DC'، برابر طول تصویر جدید باشد.

از C'، خطی عمود به DC' رسم می‌کنیم تا امتداد قطر BD را در B' قطع کند. از B' خطی موازی DC رسم می‌کنیم تا امتداد خط DA را در A' قطع نماید. مستطیل A'B'C'D' تصویر بزرگ شده ABCD می‌باشد که همان تناسب طول و عرض را دارد. معکوس این فرایند، در (شکل ۳-۲۸) دیده می‌شود که منظور کوچک کردن تصویر ABCD است.

حذف قسمت‌های زاید تصویر و مشخص کردن کادر مناسب جدید را «ویرایش تصویر» یا «ادیت» کردن می‌گویند. این عمل را می‌توان با دو مقوای «L» شکل، بهتر انجام داد و کادر مطلوب را یافت (شکل ۳-۲۹).

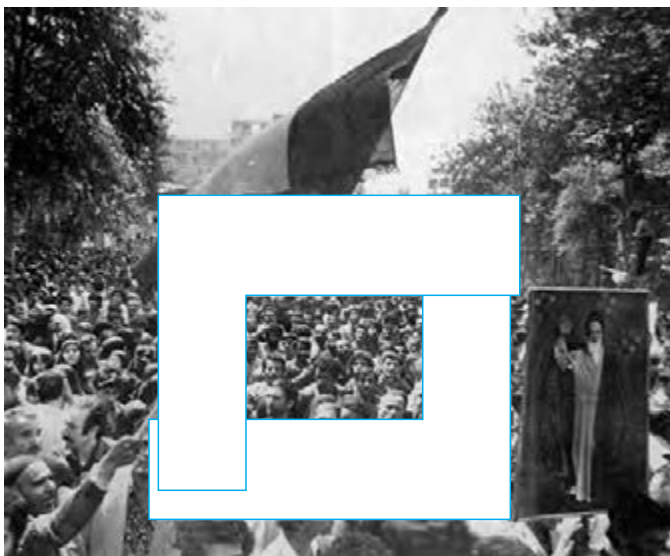


شکل ۳-۲۷



شکل ۳-۲۸

شکل ۳-۲۹



جهت تصویر یا زاویه دید:

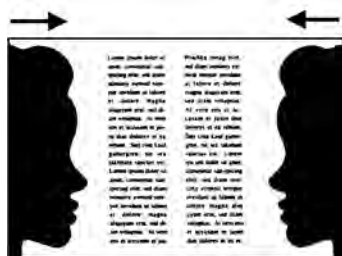
در کتاب‌های مصور، برای معین کردن جای مناسب تصاویر، باید جهت عکسها را هم در نظر گرفت. مفهوم جهت عکس یا «زاویه دید در عکس» به شرح زیر است:

دایره، یکی از سه شکل اصلی ست که جهت مشخصی ندارد و سمت و سوی خاصی را القا نمی کند. اما اگر یک دایره بسیار کوچک را در نزدیکی دایره بزرگ تری تماشا کنیم، حرکت چشم از دایره بزرگ به طرف دایره کوچک خواهد بود؛ یعنی ناظر، ابتدا دایره بزرگ را می بیند و سپس، نگاهی به طرف دایره کوچک تر می رود. اگر خطوط ذهنی به وجود آمده را رسم کنیم، شکل نهایی مانند یک فلش عمل می کند و جهت مشخصی (از دایره بزرگ به طرف دایره کوچک) دارد.

بسیاری از اشیاء نیز، جهت مشخصی دارند و وقتی به آنها یا تصاویرشان نگاه می کنیم، چشم در جهتی ثابت و مشخص بر روی آنها حرکت می کند. وقتی به چاقو نگاه می کنیم، حرکت چشم همیشه از دسته به طرف نوک تیغه آن است. وقتی به یک عاشق نگاه می کنیم حرکت از دسته به طرف قسمت گود قاشق است و اشیای مشابه، حرکت از ابتدای دسته شروع می شود به طرف مقابل شیء ادامه می یابد.

وقتی وسایل نقلیه را از نیمرخ می نگریم، حرکت چشم از قسمت پشت آنها شروع می شود و به طرف جلوی وسیله نقلیه ادامه می یابد. زمانی که به ارباب دستی یا گاری نگاه کنیم، همین گونه است و حرکت از عقب به جلوی شیء می باشد.

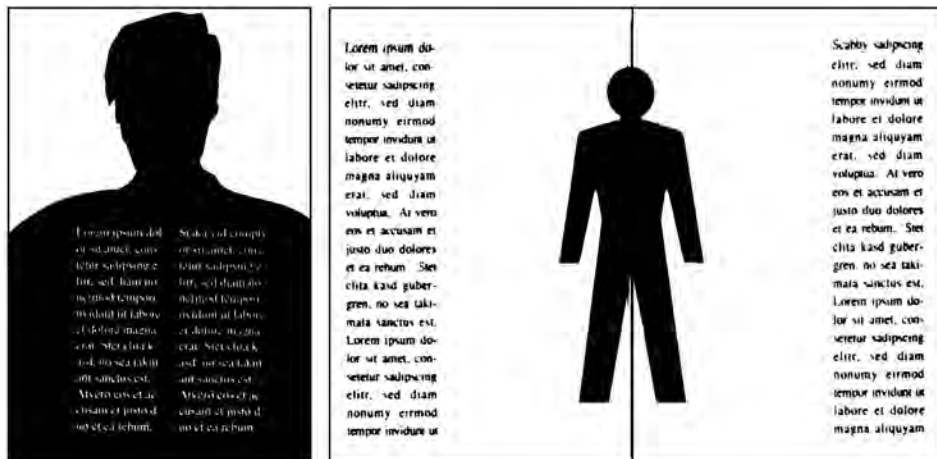
هنگامی که اشیایی مانند خودکار، مداد، خودنویس و ... را تماشا می کنیم حرکت چشم از انتها به طرف نوک آنهاست. در نگاه کردن به یک قیچی، حرکت چشم از دسته به طرف نوک تیغه هاست. در مشاهده چهارپایان از نیمرخ، حرکت چشم از دم به طرف سر چهارپاست. وقتی، یک کفش را از نیمرخ می نگریم، حرکت از پشت کفش به طرف نوک آن جریان می یابد. مثال‌های فراوانی از این قبیل می توان ارائه کرد. در مورد حالت نیمرخ چهره انسان هم حرکت چشم از پشت سر به طرف چشم و بینی و دهان است که در طرف جلو صورت قرار گرفته‌اند (شکل ۳۰-۳).



شکل ۳۰-۳

منظور از «زاویه دید» یا «جهت عکس» همین حرکت و جهت است که مشخص می کند وقتی چشم شیء خاص یا تصویر آن را مشاهده می کند، نخست منعطف به کدام قسمت می شود و سپس، در چه جهتی حرکت می نماید.

وقتی به چهره انسان یا صورت حیوانی از روبه رو نگاه کنیم از لحاظ جهت عکس، خنثی است و جهت خاصی ندارد (شکل ۳-۳۱).



شکل ۳-۳۱

تصویر یک اتومبیل یا گاری یا قطار هم از روبه رو خنثی ست. همان گونه که بعضی از اشکال هندسی مانند دایره هم خنثی هستند و جهت مشخصی را القا نمی کنند. در صفحه آرایی از این زاویه دید یا جهت نگاه تصویر، فراوان استفاده می کنیم. بر روی جلد کتاب‌ها، جهت نگاه تصویر نباید به طرف عطف باشد بلکه باید به سمت لبه کتاب نگاه کند.

در دو صفحه روبه روی هم در کتاب‌های مصور، زاویه دید عکس‌ها باید به طرف عطف باشد و هر قدر از لبه‌های بیرونی صفحات کتاب به طرف عطف نزدیک می‌شویم، شدت و مقدار این جهت کمتر می‌شود به گونه‌ای که در نواحی نزدیک به عطف، تقریباً عکس نیازی به جهت‌مندی ندارد و می‌توان از تصاویر خنثی استفاده نمود (شکل ۳-۳۲).



شکل ۳-۳۲

اگر تصویری به سمت چپ نگاه کند یا جهت حرکت چشم در آن از راست به چپ باشد، عمل پیاده کردن و استقرار آن در سمت راست دو صفحه مقابل یکدیگر است. تصویری که پایین را نگاه می کند یا جهت حرکت در آن از بالا به پایین است، بهتر است در قسمت های فوقانی صفحه قرار گیرد و بر عکس تصاویری که بالا را نگاه می کنند یا جهت حرکت از پایین به بالا دارند، بهتر است در قسمت های تحتانی صفحه واقع شوند. عکسهای ورزشی که از پرش و اوج گرفتن حکایت می کنند، باید در پایین صفحه قرار داده شوند تا سقف پرش محدود نشود و چشم خواننده بتواند ادامه پرش را تعقیب کند. عکس هایی که از سقوط و پایین آمدن خبر می دهند، باید در بالای صفحه قرار گیرند تا باز هم خواننده بتواند حرکت نزولی را تا انتها تعقیب کند.

در غالب تصاویر، یک حرکت شاخص و معلوم نداریم، بلکه عکس مجموعه ای از حرکت های مختلف را در خود دارد. در این گونه تصاویر، برآیند نیروهای موجود در تصویر را باید در نظر گرفت و عکس را در محل مناسب خود در صفحه قرار داد.

در شکل ۳۳-۳، تصویر افراد از پشت، البته از جهت حرکتی، خنثی ست. ولی مسیر حرکت این افراد خود جهتی را ایجاد کرده است که به صورتی مایل (مورب) کاملاً محسوس است. یک حرکت افقی اصلی و چند حرکت مایل کوچک هم در تصویر دیده می شود و برآیند بصری تمام این حرکات، زاویه و جهت عکس را مشخص می کنند. جهت مایل با مفهوم تعادل رابطه معکوس دارد. این جهت بی ثبات ترین و در نتیجه پر تحرک ترین نیروی جهت دار بصری است و در تصاویر وجود چنین جهتی بیش از همه جلب توجه می کند. معنا و حالت آن نا آرام و پویا و مبین حرکت و نشاط و ضد ایستایی است.

در صفحه آرایی کتاب های مصور، باید به کمک عواملی مانند حروف، تصویرپردازی، رنگ، فضای سفید، کادر و ...، دو صفحه مقابل هم را در حد امکان بیشتر به یکدیگر مربوط نمود. از جمله عواملی که دو صفحه را به یکدیگر مربوط می سازد، عکسی ست که قسمتی از آن در صفحه سمت راست و قسمت دیگر در صفحه سمت چپ باشد و حاشیه سفید بین دو صفحه را به اندازه ارتفاع عکس از بین ببرد. جهت نگاه تصاویر دو صفحه نیز اگر با رعایت اصول تنظیم شود، به این ارتباط کمک می کند. ستون های هم ارتفاع متن نیز در دو صفحه مقابل هم، سبب ارتباط و تعامل بصری دو صفحه مقابل هم می شود.



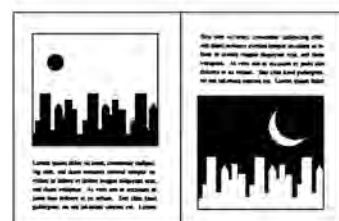
شکل ۳-۳۳

تعالادل در صفحه:

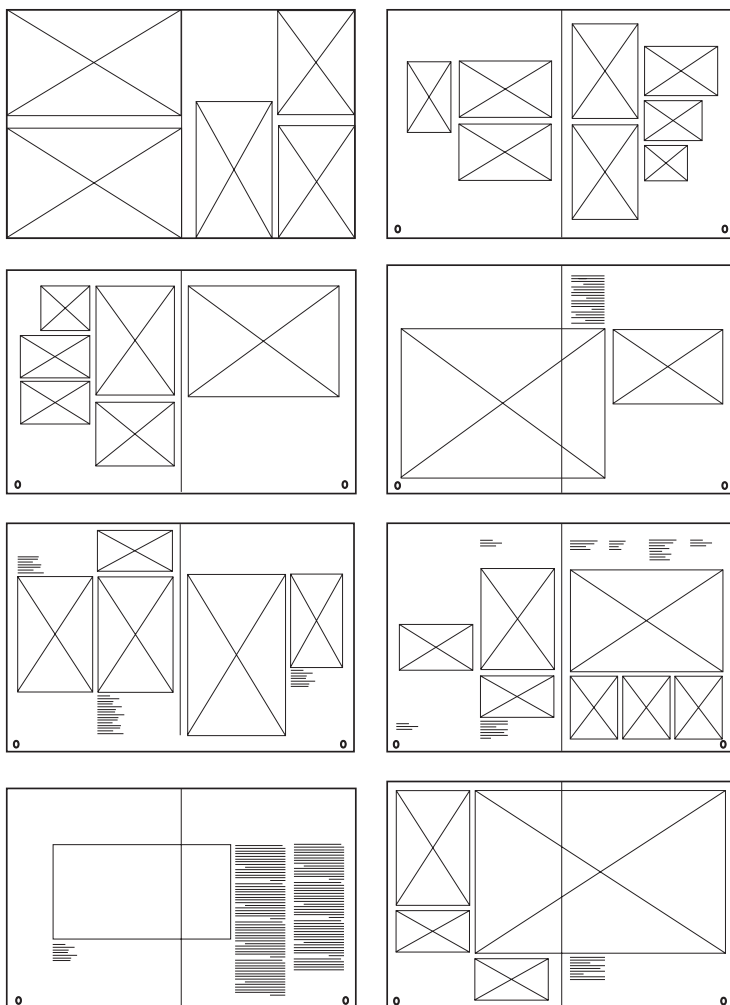
دستگاه حسی انسان به گونه ای عمل می کند که انسان، هنگام مشاهده یک طرح یا تصویر، تمایل شدیدی به تعادل دارد. در صفحه آرایبی یکی از راههای رسیدن به تعادل، تقارن است (شکل ۳۴-۳).

در کتابهای خطی و نیز کتابهای چاپ سنگی دوره قاجار، صفحات دارای تعادلی که بر مبنای تقارن آرایش یافته اند، فراوان یافت می شود. اما باید توجه کرد که امروزه در صفحه آرایبی، ایجاد تعادل به وسیله تقارن راه حل ارزشمند و هوشمندانه ای به شمار نمی رود و تقارن، زبان بصری مناسب قرن ما نیست. از این رو، بهتر است با استفاده از روشهایی غیر از تقارن، تعادل را در دو صفحه مقابل هم ایجاد کرد.

در شکل ۳۵-۳، نمونه هایی از دو صفحه مقابل هم در کتاب مصور را مشاهده می کنید که در آنها طراح بدون استفاده از تقارن، تعادل لازم را ایجاد کرده است.



شکل ۳۴-۳



شکل ۳۵-۳

با دقت در روابط سفیدی‌های صفحه، تصاویر و شرح آنها و نیز امتداد خطوط که گاهی به طور موقت قطع می‌شود و سپس دوباره ادامه می‌یابد، متوجه می‌شوید که غالباً یک توده انبوه بصری از تصویر و حروف شرح تصاویر داریم و سفیدی‌ها بیرون از این توده و اطراف آن قرار گرفته‌اند و این انسجام عوامل بصری و استقرار سفید خوانی در اطراف آن و استفاده بسیار محدود و اندک از سطوح سفید در توده بصری فشرده ای که در میان فضاهای حاشیه ای ایجاد شده است، در رسیدن به یک نتیجه مطلوب، صفحه‌آرا را یاری می‌دهد.

از تناسب طلایی یعنی نسبت‌های ۳ به ۵ یا ۵ به ۸ هم می‌توان برای دستیابی به تعادل بصری استفاده کرد: عکسهایی که نسبت به طول و عرض آنها چنین است، نسبت ارتفاع مطلب در صفحه اول فصل کتاب به ارتفاع کل صفحه؛ قرار دادن عکس در قسمتی از صفحه که تناسب فاصله محور عکس تا بالا و پایین صفحه، طلایی باشد، ... تعادل، شرط ضروری برای هر اثر گرافیکی و به طور کلی هر اثر تجسمی است و زیبایی را حاصل تعادل، همراه با رمز و راز می‌دانند. البته از مفهوم «زیبایی» در فلسفه و در هنرهای گوناگون تعبیر متنوعی وجود دارد؛ اما شک نیست که یکی از عوامل مهم رسیدن به زیبایی، تعادل می‌باشد.

صفحه‌آرایی کتاب‌های کودکان:

در صفحه‌آرایی کتاب‌های کودکان، اصل مهم، رعایت سادگی و پرهیز از پیچیدگی است. سفید خوانی، یعنی وجود سطوح سفید علاوه بر حاشیه‌ها و رعایت آن در صفحه‌آرایی کتاب کودک، بسیار ضروری است. از این رو نباید صفحات از تصویر و نوشته کاملاً پر شوند و سفیدی نداشته باشند. اما تقسیم این سفیدها در صفحات، باید با رعایت ضوابط و مبانی بصری صورت گیرد و به سهولت خواندن و درک مفهوم کمک کند. گروه سنی کودک نیز باید در نظر گرفته شود. سفید خوانی کتاب کودک ۶ تا ۷ ساله نسبت به سفید خوانی کتاب‌های نوجوانان بیشتر است.

شکل ۳۶-۳، نمونه ای از ترکیب مناسب حروف و تصویر در کتاب کودک و رعایت سادگی لازم برای این گونه کتاب‌هاست. صفحه‌آرایی کتاب کودک، باید به القای نوعی نشاط و سرزندگی کمک کند و تداعی حالتی جدی و عبوس را نداشته باشد؛ در عین

حال کمک به رشد و شکوفایی شعور و هوش کودک نماید و البته این هدف‌ها در ترکیب با تصویر سازی‌ها حاصل می‌شود.



در صفحه آرایشی کتاب‌های کودکان، دو صفحه مقابل هم را با تأکید زیاد، باید یک تابلو و یک صفحه دید و در حد امکان، این دو صفحه را به هم مربوط نمود که به صورت یک تابلو دیده شود.

یکی از روش‌های رایج برای رسیدن به این هدف، ادامه تصویر از یک صفحه به صفحه مقابل است. (شکلهای ۳۷-۳، ۳۸-۳ و ۳۹-۳) به سادگی ترکیب بصری دو صفحه مقابل هم در این شکل‌ها توجه کنید. در شکل ۳۹-۳، حروف در اصطلاح، با تصویر بافته شده است و شکل ابتدای سطرها در امتداد تصویر و متأثر از آن می‌باشد. این روش، در صفحه‌آرایی کتاب‌های کودکان بسیار کاربرد دارد که در آن سطح حروف از عناصر تصویر جلوه می‌کند و یک سطح خاکستری برای کامل کردن تصویر را تداعی می‌نماید.



تمرین

- ۱- برای رمان «بینوایان» در قطع وزیری ($۲۴ \times ۱۶/۸$ سانتی‌متر پس از برش) که بدون تصویر است، گرید مناسب طراحی کنید.
 - ۲- برای یک کتاب داستان مصور ویژه کودکان حدود کلاس اول دبستان که قطع آن خشتی است ($۲۲/۵ \times ۲۲/۵$ سانتی‌متر پس از برش)، پایه کار (گرید) مناسب طراحی کنید.
 - ۳- با مشاهده چند نمونه کتاب مصور، پنج نوع گرید متفاوت را استخراج کنید و ارائه دهید.
 - ۴- برای یک مجموعه عکس تصاویر محیط زیست در قطع $۲۸/۵ \times ۲۱$ سانتی‌متر پس از برش (محلی)، گرید مناسب طراحی کنید و آن را به صورت دو صفحه مقابل هم ارائه فرمایید.
 - ۵- در تمرین فوق، پس از طراحی گرید، هشت صفحه از این آلبوم عکس را صفحه‌آرایی کنید. شروع این هشت صفحه، از صفحه زوج باشد و فرض شود که غیر از یک عنوان برای هر هشت صفحه، واژگان دیگری مانند متن یا شرح عکس وجود ندارد.
 - ۶- همان تمرین تکرار شود با این تفاوت که هر تصویر، حدود بیست کلمه شرح داشته باشد که توضیح مربوط به همان عکس است.
 - ۷- برای یک کتاب درسی دانشگاهی در قطع $۲۸/۵ \times ۲۱$ سانتی‌متر پس از برش (رحلی)، که تعدادی از شکلها و عکسهای آن باید نسبتاً کوچک ارائه شود و عده‌ای در اندازه متوسط و تعداد اندکی بزرگ، گرید مناسب طراحی کنید.
- درانجام تمام این تمرینات، ضروری است که نتیجه را هنرآموز محترم کارگاه تأیید کند و از راهنمایی‌های او بهره‌مند شوید.